

بازنویسی قصه ها با پشتوانه متون داستانی دینی برای قصه گویی

ژیلا ده بزرگی^۱

تاریخ پذیرش : ۹۷/۰۹/۲۵

تاریخ دریافت : ۹۷/۰۸/۳۰

چکیده

قصه، زبان مشترک انسان ها برای بیان اشارات و معانی و انتقال دهنده ارزش های اخلاقی و معنوی در بین نسل هاست. مذهب، سهم پررنگی در قصه های ایرانی دارد. قصه گویان قصه های دینی، بسیاری از مفاهیم دیناسلام را به کودکان و نوجوانان این مرز و بوم آموزش می دهند؛ ایمان آن ها را تقویت می کند؛ ارزش های والای انسانی و صفات خوب را در آن ها می افزایند. پرسش این است که برای قصه گویی قصه های دینی، چه متنی مناسب است و بازنویسی قصه ها چگونه باید باشد؟ پژوهش حاضر با روش توصیفی- تحلیلی به بررسی این مهم می پردازد. مسلماً قصه های دینی برای قصه گویی نیازمند بازنویسی به شیوه ای خاص هستند؛ یافتن داستانی متناسب با روحيات و شخصیت قصه گو و مخاطبان، نیازمند برنامه ریزی و آماده سازی متن داستانی و تبدیل آن به حالت نمایشی است. متن های بازنویسی با قابلیت اجرا ، باید با رعایت اصل امانت داری در محتوای داستانهای دینی، متعهد به انجام تلفیق اصول مهم: اصول داستان نویسی و اصول حرفه ای قصه گویی باشند. این پژوهش، راهبردهایی کلی در زمینه نگارش دوباره قصه های دینی برای قصه گویی را در اختیار خوانندگان قرار می دهد که نه تنها قابل استفاده برای قصه گویان است، بلکه معلمان و علاقه مندان به قصه گویی نیز می توانند از آن بهره کافی را ببرند.

کلید واژگان: بازنویسی قصه، داستان های دینی، قصه، قصه نامه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

قصه، وجهی از ادبیات است که تعلیم را غیرمستقیم انجام می‌دهد و پیام و معنایی بسیار تاثیرگذار برضمیر کودک دارد. قصه‌هایی با موضوع و محتوای دینی، اهداف مهم تربیتی را در بردارند. مطالب مورد بحث در این قصه‌ها، موجب پروراندن وجدان اخلاقی و انسانی کودکان و نوجوانان می‌شود. پس، این آثار ادبی باید کاملاً مستند باشند و نویسنده ذره‌ای از بیان و قایع و حقایق دوری نوزد (جعفرقلیان، ۱۳۸۴: ۴۲).

بازنویسی قصه‌های دینی و آماده‌سازی آن‌ها، علاوه بر تامین اهداف تعلیمی و تربیتی، می‌تواند طول مسیر قصه‌گویی را برای قصه‌گویان کوتاه‌تر نماید. بازنویسی قصه‌ها، نوعی تعامل ادبیات نوشتاری و ادبیات شفاهی است. اما در تبدیل شکل شفاهی قصه به شکل نوشتاری و جذب نمودن مخاطبان، برخی درک افراد از یک قصه را معیار ارزیابی قرار می‌دهند. «جین یولن» در کتاب «جادوی دست نیافتنی» می‌نویسد: «ممکن است داستانی که هنگام خواب برای بچه‌ها گفته می‌شود درست و طبیعی و منطقی به نظر آید، در صورتی که همان داستان وقتی بر روی صفحه کاغذ نوشته می‌شود، جذابیت و گیرایی بیشتری دارد» (آنا، ۱۳۷۲: ۶۶).

۱.۱. بیان مساله

پرسش‌های قابل طرح این است که: برای قصه‌گویی قصه‌های دینی چه متنی مناسب است؟ قصه دینی را چگونه باید بازنویسی کرد تا قصه‌گوی حرفه‌ای / غیرحرفه‌ای بتواند به راحتی از آن بهره‌برد؟ چه سنجه‌ها و اصول و قواعد ضروری باید برای بازنویسی قصه‌ی دینی در نظر گرفت؟ اصولاً چه کسی می‌تواند چنین قصه‌هایی را بازنویسی کند؟

۱.۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی انجام می‌گیرد، به بررسی این مهم می‌پردازد. با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای، در رویکردی نوین به بازنویسی قصه‌های دینی برای قصه‌گویی، به داستان دینی و ساختار علمی آن و تکنیک‌های قصه‌گویی توجه دارد.

۱.۳. اهمیت و ضرورت بازنویسی قصه‌های دینی

قصه‌گو با بیان قصه دینی، نقش بسیار پررنگی بر ساخت ذهنی و شکل‌گیری رفتار و اخلاق کودکان و نوجوانان دارد؛ بنابراین، بازنویسی قصه‌های دینی بیش‌ترین هدف تعلیمی و تربیتی را برای نسل‌های این سرزمین در بردارند و قابل استفاده برای همه قصه‌گویان حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای خواهد بود. متأسفانه، تاکنون، در این زمینه، از سوی موسسات ذیربط و مراکز مرتبط با کودکان و نوجوانان، هیچ اقدامی صورت نگرفته است.

۲. بحث

۲.۱. اهداف بازنویسی قصه های دینی

ادبیات کودک و نوجوانان باید برپایه نیازها و اصول و هدف های تربیتی شرع اسلام و فرهنگ دینی پی ریزی شود تا به معرفت دینی برسد. آشنا کردن غیرمستقیم کودکان و نوجوانان با ارزش های دینی، کاری شایسته و ضروری است. نگارش قصه های دینی، با زبان و شیوه ای مناسب و در خور فهم کودک و نوجوان، تلاشی برای هدایت آنان به سوی رشد است.

مهم ترین اهداف قصه های دینی عبارت اند از: آشنا کردن کودکان و نوجوانان با ارزش های دینی، اخلاقی، انسانی، اجتماعی به گونه غیرمستقیم و آشنایی بیش تر خواننده با مسایل و مشکلات و مصایب زندگی و چگونگی چیره شدن بر آنهاست (جعفرقلیان، ۱۳۸۴: ۲۹).

قصه گویی قصه های دینی، در مدارس نقش مهم تری دارند. قصه ها در توسعه مهارت های زبانی و رشد فکری و غنای شخصیت دانش آموزان بسیار موثر هستند. از طریق قصه، ارزش های اساسی جامعه ایرانی - اسلامی به کودکان منتقل می شود. قصه های دینی که جزء «قصه های ارزشی» به شمار می آیند، بر مدار تبلیغ و توسعه ارزش های الهی و انسانی در اذهان کودکان و نوجوانان دور می زنند. این قصه ها مفاهیمی چون یکتاپرستی، احترام به والدین، وفای به عهد را به آن ها القا می کنند (زند، ۱۳۷۸: ۲۴).

در این پژوهش «قصه نامه» عنوانی است که به قصه های بازنویسی شده برای قصه گویی اطلاق می گردد.

۲.۲. نویسندگان یا بازنویس قصه های دینی

در بازنویسی قصه های دینی، متن اهمیت بسیاری دارد. قصه نویسی برای کودکان به تمرین زیادی نیاز دارد. در بازنویسی قصه ها، دو مقوله بسیار قابل توجه است: نخست نویسندگان، جنبه ادبی و ارزشی قصه را حفظ و نگه داری کند و دیگر کودک از شنیدن آن لذت ببرد. متن نباید پایین تر از ادبیات بزرگسالان باشد. قصه نویس، باید با مهارت یک نویسنده داستان یا رمان بزرگسال، قصه اش را بنویسد. نویسندگان در بازنویسی قصه های دینی مناسب برای قصه گویی، باید از مسایل دینی کودک آگاهی کامل داشته باشد؛ داستان های دینی را خوانده باشد و مستندترین مورد را برگزیند؛ او باید هنرمندانه، واقعه دینی یا داستان شخصیت های خاص مذهبی را بازنویسی کند.

بازنویس قصه، علاوه بر تجهیز خود به دو تخصص: ادبی و مهارت حرفه ای قصه گویی، نیازمند شناخت مسایل مرتبط با کودک و نوجوان چون اصول تعلیم و تربیت، روان شناسی رشد کودک و نوجوان است تا آثارش با خواسته ها و نیازها، احساس و عاطفه، ذهن و زبان، زمان، تجربه های مخاطبان و ارزش ها و باورهای مذهبی آنان تناسب داشته باشد (نعمت اللهی، ۱۳۸۵: ۴۲). نویسندگان، قصه متناسب با کودک را انتخاب نماید. او برای هویت بخشی به کودک و نیازهای جسمی و روحی وی باید بهترین ها را برگزیند و در شخصیت پردازی قصه، الگوهای مناسبی را برای آن ها بسازد.

به طور کلی، نویسنده باید آگاه، خوش ذوق و امین در حفظ و بیان مطالب قصه‌های دینی باشد. اصول نگارش و درست نویسی را به درستی به کار بندد؛ شناخت همه جانبه‌ای از گروه‌های سنی داشته باشد تا با کاربرد عنصرهای زبانی و ادبی در قالب داستان، بتواند پیام خود را به بهترین نحو برساند و بالاخره، برای راهنمایی‌گویی برای بیان قصه‌ای کاربردی، اصول مرتبط با قصه‌گویی را در زمینه لحن، صدا و حرکات صورت و بدن بداند و آن‌ها را به درستی به کار بگیرد. نویسنده با قراردادن خود در دوجایگاه، قصه‌نویس و قصه‌گو، هنرمندانه متنی ترکیبی از دانش زبانی و دینی و دانش حرفه‌ی قصه‌گویی را تلفیق و تدوین نماید.

۲,۳. قصه‌نامه دینی؛ ضرورت‌ها در بازنویسی

قصه، قالبی هنری است که بسیار هنرمندانه باید به آن پرداخت (حجوانی، ۱۳۷۱: ۳۲) با بیانی ضعیف نمی‌توان قصه موفق‌تری خلق کرد، کلام قصه، از شگرد‌ها و صنایع ادبی به عنوان یک عنصر حیاتی بهره‌می‌گیرد (همان: ۳۳) قصه باید به گونه‌ای باشد که شنونده و خواننده را متأثر کند و اصلاح رفتاری را پدید آورد.

قصه‌های انبیا، با معرفی الگو و روش‌های مناسب زندگی، موجب اصلاح کودکان می‌گردد. کودک و نوجوان کم‌تجربه، احساساتی که در قالب قصه دینی بر وی عرضه می‌شود، تازه و نو است. این تأثیرگذاری از قهرمان قصه است که الگوی او در زندگی قرار می‌گیرد (رهگذر، ۱۳۶۶: ۲۰).

درونمایه قصه‌های دینی باید با هدفی روشن طرح شود و بیان هنری درخور فهم، یعنی متناسب با سن کودک و تازگی نسبی در موضوع داشته باشد، موضوعات تکراری باید با نگاه نو در کنش قهرمان گنجانده شود. (رهگذر: ۱۳۶۶: ۳۱) قصه‌های دینی که از فداکاری و مهرورزی و بسیاری از سجایای اخلاقی می‌گویند، در کودک ایمنی عاطفی به وجود می‌آورد (مراد حاصل، ۱۳۸۵: ۳۳).

نثر قصه‌های کودک نباید به دلیل ساده‌نویسی، فاقد زیبانویسی باشد؛ نویسنده قصه کودک دو نکته را باید مهم بداند: ۱- نوشته‌ای خاص (کار علمی) ۲- زیبا نویسی (رهگذر، ۱۳۶۶: ۷۹).

۲,۴. زبان قصه‌نامه‌های دینی

زبان ادبیات شفاهی که در گذشته به آن «زبان اهل سوق» می‌گفتند، جمله‌هایی ساده و کوتاه و گاه بریده دارد. مردم عادی هنگام گفتگو اغلب به صورت کنایه یا ضرب‌المثل آن را به کار می‌بردند. برخی از نویسندگان غربی، قصه را شیوه‌ای نمایش می‌دانند که امکان اجرای آن برای هر خانواده هست. (آنا، ۱۳۷۲: ۱۱) قصه را باید مادر فیلمنامه و نمایشنامه دانست. (رهگذر، ۱۳۶۶: ۱۶) مؤثرترین زبان قصه‌نویسی، زبان نمایشی است. در این نوشته‌ها، نویسنده از فضای نگارش ادبی گاهی فاصله می‌گیرد و خود را به زبان مردم کوچه و بازار نزدیک می‌کند، به ویژه در گفت‌گوها، شخصیت‌های قصه با زبان عادی جامعه خود سخن می‌گویند. کاربرد واژگان محاوره‌ای، شکسته‌گویی، ایجاز و کوتاهی در زبان محاوره و امکان خروج از چارچوب‌های دستوری، به گفتار، روانی و سادگی خاصی می‌

بخشد. کریستن سن در این باره می گوید: یک قصه ادبی، قصه ای است که اصلا عامیانه بوده است و بعد ها به آن جنبه ادبی داده اند (رهگذر، ۱۳۶۶: ۲۶).

زبان قصه نامه دینی، بایده ساده، رسا، شیوا، هماهنگ با رشد ذهنی و زبانی و درخور توانایی ها، توانمندی ها و تجربه های هریک از گروه های سنی باشد.

۲.۵. قصه نامه دینی برای کودک

از ویژگی های قصه، باید پرماجرا باشد، زیرا تحرک وی در این دوره زیاد است و دیگر کم حجم و مختصر، چراکه کودک وقت زیادی برای یکجانشینی و گوش دادن نمی گذارد؛ حوصله شنیدن قصه های ناتمام را ندارد. بنابراین، کوتاه نویسی با جمله های کوتاه و ساده نویسی، واژگان پرکاربرد، توصیفات قابل فهم و بدون پیچیدگی، ذکر معنای قصه دریک بند یا عباراتی کوتاه را باید اساس کار قصه نامه قرار داد.

طرح در این قصه ها، بیشتر از قصه های بزرگسالان اهمیت دارد. کودک جذب یک حرکت، ماجرا و شخصیت می شود، چون دنیایش آمیخته از تخیل و واقعیت است، او بسیار عاطفی، احساسی و خیالی می اندیشد و رفتار می کند. اما تخیل در قصه نامه باید با عالم واقعیت انطباق داشته، حادثه باید نتیجه حادثه یا حوادث قبلی باشد. طرح قصه های کودک و نوجوان، به شدت بزرگسالان پیچیده نباشد، عامل انتظار و صمیمیت لحن، شیرینی در مخاطب کم سن و سال ایجاد کند. درمقابل آن، ترتیب نامناسب ماجرا، تکراری بودن طرح، ابهام بیش از حد و مسائل عادی و پیش پا افتاده در محور اصلی قصه نامه، شوق مخاطب را فرو می نشاند، از سویی، به دلیل کمی تجربیات، اغلب احساسات در قصه، برای آنها تازه و نواست و بیش تر تحت تأثیر قرار می گیرد و ماجراهای آن را باور می کنند و ممکن است راه و رسم قهرمان قصه را در زندگی واقعی الگو قرار دهند (رهگذر، ۱۳۶۶: ۲۰).

شخصیت های فراوان و مکان های متعدد باعث سردرگمی کودک در فهم قصه می شود، شخصیت ها با جامعه و خانواده وی تطابق داشته باشند. افراد خوب را با چهره و صدای خوب، و افراد بد را با چهره و صدای بد نشان دهد. شخصیت ها باید زنده به نظر برسند، توصیف ویژگی های ظاهری انسان ها نباید زیاد و خسته کننده باشد، شخصیت ها، مشخص و دارای اسم باشند. شخصیت دینی با الفاظ و واژه های دارای احترام یاد شود تا کودک از آن تاسی پذیرد. عناصر قصه باشخصیت های انسانی و غیر انسانی همه در مسیر یک هدف «پند دادن و درست آموختن» گام بر دارند تا توده مردم به سخنان قصه گو تمایل داشته باشند (رهگذر، ۱۳۶۶: ۱۳).

قصه کودک، باید تازه و غیر تکراری باشد، نویسنده باید خود را کوچک کند تا به دنیای کودک دست یابد و مسائل را از دید او ببیند. کلمات قابل فهم باشد، ساده نویسی و استفاده از اصطلاحات و ترکیبات بیانی خاص کودک را رعایت کند. زبان ادبی قصه، متناسب با آرایه های قابل درک کودک باشد.

نویسنده با طرح چند پرسش، ذهن کودک را درگیر کند و ارتباط قصه گو را با مخاطب برقرار نماید. محتوای قصه، باید با یک پیام اصلی و حداکثر ۲، ۳ پیام فرعی در قصه بیاید، پیام با سن مخاطبین تناسب داشته و نزدیک به ویژگی‌های زبانی کودک باشد. محتوای متن، دارای انسجام و در پیوند با هم باشد.

هر قصه، ماجرای را روایت می‌کند. قصه‌های خوب صحنه‌ها را جذاب بیان کرده و نظم منطقی به ذهن کودک می‌دهد. قصه‌ها، نیروی بیان کودک را تقویت و او را برای حضور در اجتماع آماده می‌کند. کودک با قصه‌های خوب از مسائل و مشکلات بزرگترها با خبر می‌شود. از طرفی گوش دادن به قصه‌ها، واژه‌ها و معانی آن را به شکل شنیداری به وی می‌آموزد (مراد حاصل، ۱۳۸۵: ۳۷).

۳. نتیجه‌گیری

قصه، ارزش‌های اساسی جامعه را به کودکان انتقال می‌دهد. قصه‌های دینی که جزء «قصه‌های ارزشی» به شمار می‌آیند، بر مدار تبلیغ و توسعه ارزش‌های الهی و انسانی در اذهان کودکان و نوجوانان می‌چرخد. قصه‌گویی قصه‌های دینی در مدارس نقش مهمی دارند. قصه‌ها در توسعه مهارت‌های زبانی و رشد فکری و غنای شخصیت دانش‌آموزان بسیار موثر هستند. بازنویسی قصه‌های دینی برای قصه‌گویی از مسایل مهم در حوزه ادبیات کودک و نوجوان است. از این نظر لازم است که این دست از نوشته‌ها از سوی فردی عالم، آشنا به اصول داستان‌نویسی و قصه‌گویی تهیه شود. زیرا او در ساخت ذهنی کودک و پرورش باورهای دینی کودک و نوجوان نقش بسزایی ایفا می‌نماید. نویسنده، علاوه بر تجهیز خود به تخصص ادبی و مهارت حرفه‌ای قصه‌گویی، نیازمند شناخت اصول تعلیم و تربیت، روان‌شناسی رشد کودک و نوجوان است تا آثارش با خواسته‌ها و نیازها، احساس و عاطفه، ذهن و زبان، تجربه‌های مخاطبان و باورهای مذهبی آنان تناسب داشته باشد. متن قصه دینی، باید چارچوب مشخصی داشته باشد؛ در هر گروه سنی حدود و مرزهای آن تعیین و معیارهای زبانی برای آن تعریف شود. ساختار روایی قصه‌نامه‌های دینی برای قصه‌گویی، شباهت نزدیکی به نگارش نمایشنامه باید داشته باشد. زبان نمایشی، بهترین نوع زبان قصه است. درونمایه قصه دینی کودکان و نوجوان باید براساس هدفی روشن طرح شود و بیانی هنری درخور فهم او، یعنی متناسب با سن کودک داشته باشد.

منابع

- پشت دار، علی محمد (۱۳۷۶) *قصه گویی و نمایش خلاق*، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- پلويسكى، آنا (۱۳۷۲) *قصه گویی در خانه و خانواده*، ترجمه مصطفی رحماندوست، تهران، انتشارات مدرسه.
- جعفرقلیان، تالیف (۱۳۸۴) *ادبیات کودکان*، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ دوم.
- چمبرز، دیویی، (۱۳۶۶) *قصه گویی و نمایش خلاق*، ترجمه ثریا قزل ایاغ، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- حیوانی، مهدی (۱۳۷۱) *قصه چیست؟*، تهران، حوزه هنری.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۷۷) *قصه گویی، اهمیت و راه و رسم آن*، تهران، انتشارات رشد.
- رهگذر، رضا، (۱۳۶۶) و *اما بعد...*، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- (۱۳۷۱) *به بیانی دیگر...*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- زندی، بهمن (۱۳۷۸) *روش تدریس زبان فارسی*، تهران، سمت.
- سمیعی، احمد (۱۳۷۹) *نگارش و ویرایش*، تهران: سمت، چاپ دوم.
- شعاری، علی اکبر (۱۳۷۴) *ادبیات کودکان*، تهران، اطلاعات.
- مرادحاصل، مهدی؛ محمدپور، آیت (۱۳۸۵) *قصه گویی، قصه خوانی و شعر در مدارس دوره ی ابتدایی*، تهران، موسسه منادی تربیت.
- نعمت اللهی، فرامرز (۱۳۸۵) *ادبیات کودک و نوجوان*، چاپ دوم، تهران: سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی